

The Connection Between Emotion and Belief in the Ashura Poetry of Mohtasham Kashani

Hossein Hosseinian Moghaddam²  And Ehsan Jafaripour¹ 

1. Bagheral Uloom University of Qom, Department of Islamic History, Iran.

E-mail: ehsan_6268@yahoo.com

2. Associate Professor, Seminary and University Research Institute, Qom, Iran, Iran.

E-mail: moghadam@rihu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-07-24

Revised: 2024-12-22

Accepted: 2025-02-15

Available online

14 April 2025

Keywords:

Mohtasham Kashani,

Imam Hossein,

Ashuranagari, emotional

emotional attitude,

Maktalsarai

ABSTRACT

Ashura is among the few historical events that have long held a prominent position in Shi'i literature and have played a role in the ebb and flow of historical developments. This significance has led to the recording of Ashura-related narratives in various historical periods of Shi'ism according to contemporary needs, resulting in diverse perspectives—historical, theological, hadith-based, emotional, mystical, spiritual, heroic, and mythological—within this branch of Shi'i historiography. Therefore, understanding political-intellectual spaces is a tool for understanding attitudes, and the study of attitudes in Ashura news is a factor for analyzing layers of political-intellectual history of different periods. During the Safavid era, Ashura narratives were predominantly written with an emotional focus, reflecting social needs such as liberation from the pressures of centuries-long non-Shi'i rule, influencing subsequent periods. Shah Tahmasp understood the void of Ashura poems for the recitation of the holy graves, and considering his knowledge of Mohtasham Kashani's poems, he asked him to compose Ashura poems. This study, by posing the question of how Mohtasham's Ashura poetry articulates perspective and employing qualitative content analysis, examines the historical origins of his viewpoint. The findings indicate that most of Mohtasham's poetry expressed an emotional-sentimental perspective aligned with the intellectual and political conditions of his time, connecting it to a narrative of trial and predestination concerning the events of Ashura.

Cite this article: Hosseinian Moghaddam, Hossein; Jafaripour, Ehsan (2025). The Connection Between Emotion and Belief in the Ashura Poetry of Mohtasham Kashani, *Discourse of History* .49 (1), 104-123. <http://doi.org/10.22034/SKH.2025.18875.1532>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/SKH.2025.18875.1532>

Publisher: Al-Mustafa International University.

پیوند احساس و اعتقاد در اشعار عاشورایی محتشم کاشانی حسین حسینیان مقدم^۱ | احسان جعفری پور^۲

۱. نویسنده مسؤول، دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران رایانامه: moghadam@rihu.ac.ir

۲. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم قم ایران. رایانامه: Ehsan_6268@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

کلیدواژه‌ها:

محتشم کاشانی،

امام حسین(ع)،

اشعار عاشورایی،

نگرش عاطفی احساسی،

مقتل سربای

عاشورا در شمار معدود رخدادهای تاریخی است، که از دیرباز در ادبیات شیعی از جایگاهی بلند برخوردار بوده و در فراز و فرود حوادث تاریخی نقش آفرینی کرده است. چنین کارکردی سبب شد تا اخبار عاشورایی به پیروی از تقاضاهای زمانی در دوره‌های مختلف تاریخ تشیع، با نگرش‌های گوناگونی نگاشته شود و درگذر زمان نگرش‌های تاریخی، کلامی، حدیثی، عاطفی، ماورایی، عرفانی، حماسی و اسطوره‌ای را در این شاخه از تاریخ‌نگاری شیعی پدید آورد. از این‌رو، شناخت فضاهای سیاسی-فکری ابزاری برای شناخت نگرش‌ها و نیز نگرش‌شناسی اخبار عاشورایی عاملی برای واکاوی لایه‌هایی از تاریخ سیاسی-فکری دوره‌های مختلف است. اخبار عاشورایی در دوره صفویه بنابر نیازهای اجتماعی، مانند رهایی از فشار چند صد ساله حاکمان غیرشیعی، بیشتر با نگرش عاطفی و یادکرد مصائب گوناگون تحریر شد و بر دوره‌های بعدی تأثیر گذارد. شاه طهماسب جای خالی اشعار عاشورایی، برای مجالس روضه‌خوانی را به خوبی درک کرد و با توجه به شناختی که از اشعار محتشم کاشانی داشت از وی درخواست سرودن اشعار عاشورایی کرد.

نوشتار پیش رو، با طرح این پرسش که محتشم در اشعار عاشورایی خود چه نگرشی را ترسیم کرده با روش تحلیل محتوای کیفی، به تبیین خاستگاه تاریخی نگرش محتشم پرداخته و دریافته که بیشتر اشعار محتشم براساس نیازمندی‌ها و شرایط فکری سیاسی زمانه خود، نگرش عاطفی-احساسی را بیان کرده و آن را با نگرش ابتلایی و تقدیرگرایانه به واقعه عاشورا پیوند داده است.

استناد: حسینیان مقدم، حسین؛ جعفری پور، احسان، (۱۴۰۴). پیوند احساس و اعتقاد در اشعار عاشورایی محتشم کاشانی. سخن

تاریخ، ۴۹ (۱)، ۱۲۳-۱۰۴. <https://doi.org/10.22034/SKH.2025.18875.1532>





مقدمه

عاشورا حادثه‌ای مهم، سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار در سده‌های پسینی است، که همواره عاشوارنگاران اخبار آن را متناسب با فضای فکری و شرایط محیطی و زمانی خود نگاشته و نگرش‌های تاریخی، کلامی، حدیثی و غیر آن را در عاشوراپژوهی پدید آورده‌اند.

برآمدن صفویه و گشوده شدن فضای باز سیاسی فرهنگی برای شیعه، که قرن‌ها فشار و سختی مخالفان فکری خود را تحمل کرده بود، سبب شد عالمان شیعی در سطحی گسترده به تبلیغ آیین شیعی بپردازند و نگرشی خاص به عاشورانویسی داشته باشند. عاشورانویسی این دوره با انگیزه تألیف برای روضه‌خوانی تحریر شد، تا از این راه عموم مردم را مخاطب قرار دهد و آنان را با اهداف مؤلف همراه کند. طبیعی بود، که گفتگو با توده‌های مردم، نگارش را به شیوه داستانی و ادبی آمیخته با شعر نزدیک می‌کرد و از سویی برای نوعی هیجان‌آفرینی و شورافزایی در مخاطبان، بُعد حزن و اندوه برجسته می‌شد.

بدین ترتیب، عاشورا در این دوره، از محورهای اساسی برای تبلیغ تشیع قرار گرفت و نگرش عاطفی-احساسی نیز در بیان مصائب عاشورا محوریت یافت، تا هم افکار شیعی گسترش یابد و هم مردم برگرد مظلومیت اهل بیت (ع) متحد شده، به عنوان نیروی انسانی و معنوی حاکمیت شیعه محسوب شوند. از این رو، شاه طهماسب (م ۹۸۴ق) از محتشم کاشانی (م ۹۹۶ق) خواست بجای مدح و ثنای او، هنر شعر را در مدح و رثای اهل بیت (ع) بکار گیرد. (اسکندر یک منشی، ۱۳۱۷ش: ۱/۱۷۸)

از این رو، محتشم شاعر عصر صفوی، با سرودن دوازده بند مشهور خود با نگرش عاطفی و احساسی به دو هدف گسترش تشیع و به صحنه آوردن مردم و شورافزایی آنان کمک شایانی کرد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که محتشم با توجه به مقتضیات زمانه خود خود چه نگرشی در سرودن اشعار عاشورایی ترسیم کرده است؟ این تحقیق، بر پایه روش تحلیل محتوای کیفی به مطالعه اشعار عاشورایی محتشم کاشانی پرداخته و بر آن است تا شاخصه‌ها و ویژگی‌های نگرش عاطفی و احساسی را در اشعار عاشورایی محتشم و با توجه به تقاضاهای زمانی تبیین کند. در تعریف این روش گفته شده است که تحلیل محتوا فرآیند نظام‌مندی است که به کمک آن می‌توان به شناسایی، طبقه‌بندی، تبیین، تفسیر، استنباط و استخراج مفاهیم آشکار و نهان متن پرداخت. در این روش، پیش فرض آن است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف مفاهیم، اولویت‌ها ادراک‌ها، شیوه‌های سازماندهی و بینش دست یافت. هدف تحلیل محتوا

فراهم آوردن شناخت، بینشی نو و تصویری از واقعیت است. (کلوس کرپندورف، ۱۳۸۳ ش: ۲۵) در حقیقت پژوهشگر قصد دارد به لایه‌های درونی متن راه پیدا کند و به مراد درونی تولید کننده پیام دست یابد و بر اساس متن، خطوط فکری پدید آورنده پیام را شناسایی کند و در این تجزیه و تحلیل، اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و تمایلات متن را بکاود و زمینه را برای فهم دقیق‌تری از متن فراهم سازد. (معروفی؛ یوسف زاده، ۱۳۸۸ ش: ۱۳۶)

برخی عاشورانگاری‌های جدید رویکرد نگرش‌شناسی را دنبال کرده‌اند. کتاب «جریان‌شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه با تأکید بر مقاتل»، محسن رنجبر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره» قم ۱۳۸۹ ش، کتاب «تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا» رقیه میرابوالقاسمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، ۱۳۹۳ ش. مقاله «رویکردهای عاشورا با تکیه بر رویکرد انسانی»، حسین احمدی، مجله معارف، ۱۳۹۳ ش ۱۰۵، مقاله «بررسی رویکرد عرفانی به عاشورا با تأکید بر منظومه گنجینه الاسرار»، عمان سامانی، مظاهر زمانی نعمت‌سرا، کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات و فرهنگ، ۱۳۹۷ و نیز مقاله «بررسی و تحلیل رویکرد عرفانی مولوی به واقعه عاشورا»، رضا روحانی، پژوهشنامه عرفان، ۱۳۹۴ ش ۱۳؛ مقاله «تحلیلی آسیب‌شناسانه بر رهیافت‌های عاشورا پژوهی»، محسن رفعت، فاطمه ژیان، محمد حسین مدنی، نشریه علمی پژوهشی شیعه پژوهی، شماره بیست و سوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱؛ مقاله «تحلیل سبکی ترکیب بند محتشم کاشانی در رثای سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله (ع)» محمود صلواتی، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۶۷، دی ماه ۱۳۸۷.

این حرکت گرچه ضروری بوده، ولی تاکنون گام‌های نخستین خود را پیموده و به تبیین کلیات و شاخص‌ها بسنده کرده است. نوشتار حاضر با تکیه بر دیوان محتشم، به‌عنوان منبع اصلی تحقیق، پیشینه‌ای بر مطالعه خود نیافته و تلاش کرده است، این حرکت را استمرار بخشد و مطالعه در این عرصه را توسعه بخشد. طبیعی است که برای تبیین نگرش محتشم، برخی اشعار وی در متن مقاله بیاید، تا بتوان به آن استناد کرد.

تبیین نگرش‌ها به عاشورا

مؤلفان در مقوله عاشورانگاری با در نظر داشت شرایط فکری و زیستی به ثبت رویداد عاشورا با نگرش‌های مختلف پرداختند، این نگرش‌ها را به دو محور اساسی می‌توان تقسیم کرد:

۱- نگرش عاطفی احساسی: در این نگرش رویداد عاشورا از آغاز تا پایان حزن‌انگیز گزارش می‌شود تا عواطف و احساسات مردم تحریک شود و اشک آنان جاری گردد. درباره این نگرش و

خاستگاه آن در ادامه توضیحاتی آمده است.

۲- نگرش کلامی: در این نگرش، واقعه با توجه به جریان‌های کلامی-مذهبی نوشته می‌شود و مؤلف به‌عنوان مؤرخ به تدوین تاریخ و تحلیل حوادث تاریخی نمی‌پردازد، بلکه هدف اصلی او استفاده از تاریخ برای اثبات مباحث کلامی است. به عنوان نمونه بخشی از تألیفات کلامی شیعه به تناسب اهمیتی که بحث‌های مربوط به امامت میان شیعه داشته، به بحث از تاریخ کشیده شده است. «در میان آثار شیخ مفید، نوشته‌های تاریخی بیش از موضوعات دیگر تحت تأثیر علم کلام واقع شده‌اند. باید گفت تقریباً همه نوشته‌های تاریخی ایشان رنگ کلامی دارد.» (خانجانی، ۱۳۹۲ ش: ۱۱۱) به نظر می‌رسد این نگرش از چند جنبه در اخبار عاشورایی نویسندگان قرون مختلف، قابل بررسی است، با توجه به رویکرد این تحقیق، به مواردی که در اشعار عاشورایی محتشم کاشانی قابل بررسی است اشاره می‌شود:

۱-۲ نگرش تقدیرگرایانه به قیام امام حسین (ع): در این نگرش واقعه عاشورا، سرنوشت محتوم امام حسین (ع) و یارانش دانسته شده است، برای نمونه می‌توان به مقاتلی اشاره کرد که حادثه عاشورا را تقدیر امام و یارانش دانسته و برای اثبات آن به روایات پیشگویی عاشورا از سوی پیامبران گذشته، پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین و امام حسن (ع) اشاره کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۲۳/۴۴؛ سپهر کاشانی، ۱۳۸۵ ش: ۳۳۴/۴؛ دربندی، ۱۴۱۵ ق: ۱/۲۶۳؛ شریف کاشانی، ۱۳۹۳ ش: ۷۵/۱)

۲-۲ نگرش ماورایی: ماوراء در لغت یعنی پشت سر و آنچه در پس و پشت چیزی قرار دارد (ابن منظور؛ ۱۴۱۴ ق: ۱/۱۹۳) و در اصطلاح حوادثی است که ریشه در عالم ماده ندارد و به طور عادی قابل دسترسی انسان نیست. در این نگرش با توجه به تقدس و عصمت امام حسین (ع) به جنبه‌های فراتاریخی عاشورا اشاره می‌شود. می‌توان گفت که این نگرش با توجه به باورهای مذهبی و کلامی در ارتباط با امامان معصوم (ع) به وجود آمده است. علم غیب امام، پیشگویی‌های معصومان (ع) با توجه به علم غیب آنان، در ارتباط بودن فرشتگان با امام، به فرمان امام بودن عالم و... بن‌مایه اخبار ماورایی است. در بیشتر مقاتلی که در زمان صفویه و قاجار نوشته شده است، به راحتی می‌توان این نگرش را ملاحظه کرد.

۳-۲ نگرش عرفانی: در این نگرش دست‌کم سه دیدگاه وجود دارد: در دیدگاه اول کربلا همچون صحنه جدال عقل و عشق نگاه می‌شود که عشق پیروز و عقل حیران است. برای نمونه، اشعار عمان سامانی (م ۱۳۲۲ ق) بر محوریت عشق استوار است.

دیدگاه دوم ابتلایی است، که در آن حادثه کربلا در قالب امتحان و ابتلا بیان می‌شود. کتاب

«روضه الشهداء» نمونه‌ای از این دیدگاه است. در ادامه درباره این نگرش توضیحاتی خواهد آمد. دیدگاه سوم شهادت امام را رهایی از بند تن و جسم معرفی می‌کند، که باید بر آن جشن گرفت نه ماتم. سیدبن طاووس می‌نویسد: «اگر نبود که کتاب و سنت، ما را مکلف به پوشیدن لباس عزا کرده است، چراکه ارکان هدایت از بین رفت و پایه‌های گمراهی تأسیس شد و بر از دست رفتن سعادت باید تأسف خورد و بر این‌گونه شهادت، اظهار افسوس و اندوه کرد، در شادی این نعمت بزرگ، لباس‌های بشارت و سرور به تن می‌کردیم». (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۴؛ صحتی سردودی، ۱۳۹۴ش: ۳۱۴)

عصر صفویه و نگرش عاشورایی محتشم

رویداد عاشورا از حوادث مهم در تاریخ اسلام است، که مورخان شیعه و سنی از قرن اول تاکنون هرکدام با نگرش خاص خود به ثبت این واقعه غمبار پرداخته‌اند. ظهور صفویه برابر بود با آزادی فکری و سیاسی شیعه، که در پرتو آن شیعیان می‌توانستند با آزادی کامل باورهای خود را در جامعه آشکار کنند. چنین فضایی سبب شد، عالمان شیعی نگرشی خاص به عاشورانویسی داشته باشند. غزل و مدیحه در این عصر به مدح و منقبت اولیای دین و ذکر کرامات ائمه اطهار (ع) و مصیبت شهیدان کربلا تغییر جهت داد. شرایط پیش‌آمده اقتضای برگزاری مراسم عزادری امام حسین (ع) را با جاذبه‌های خاصی بیشتر می‌کرد. از این‌رو، عاشورانویسی این دوره با انگیزه تألیف برای روضه‌خوانی تحریر شد، که بیشتر صورت داستانی و ادبی آمیخته با شعر پیدا کرد و بُعد حزن و اندوه با به تعبیری نوعی هیجان‌آفرینی و شورافزایی در آن برجسته شد. همزمان با تحولات سیاسی و برآمدن صفویه، شمس الشعرا کاشانی، مولانا سید کمال‌الدین علی‌فرزند خواجه میراحمد کاشانی متخلص به محتشم (م ۹۹۶ق)، شاعر اوایل عهد صفوی و هم‌دوره شاه طهماسب صفوی، از شاعران سرآمدی بود که با سرودن مرثیه «باز این چه شورش است» به تقاضای زمانی عصر خود پاسخ داد و در برگزاری با شکوه عزاداری سید الشهداء (ع) خدمت شایانی کرد. این خدمت چنان ماندگار شد، که پس از گذشت بیش از چهارصد سال از درگذشت وی، هنوز پرچم عزای امام حسین (ع) و کتیبه‌نوشته‌ها در حسینیه‌ها، تکایا و مساجد مزین به اشعار جانسوز اوست.

محدث قمی در وصف جانسوزی اشعار او می‌نویسد: «گویا از حزن و اندوه آن اشعار نگاشته شده یا از خاک کربلا سرشته شده است. این اشعار، مثل مصیبت حضرت ابا عبدالله (ع) به هیچ وجه مندرس نمی‌شود و این کشف می‌کند از عظمت بزرگی مرتبت و کثرت معرفت محتشم».

قمی، ۱۳۶۳ش: ۲۵۲)

محتشم، زاده سال ۹۰۵ق و تحصیل کرده‌ای بود، که پس از تحصیل مقدمات علوم زمان خود به شغل «شعربافی» پرداخت و از پیشه‌اش در اشعار خود یاد کرد. (بهادر، ۱۳۸۶ش: ۶۴۵) بیماری، او را از سفر بازمی‌داشت، با این حال، به اصفهان، عتبات عالیات و خراسان رفت و در مدح سلاطین و شاهزادگان صفوی، به ویژه شاه طهماسب و فرزندان او اشعاری سرود. شش رباعی درباره تاریخ جلوس شاه اسماعیل دوم به سلطنت سرود که وقار شیرازی (م ۱۲۹۸ق) رساله‌ای در شرح آن نوشت. محتشم که در دوره گسترش روابط شاعران ایرانی با شبه قاره هند می‌زیست، اشعاری را توسط برادرش عبدالغنی نزد سلاطین آن خطه فرستاد. مدفن وی در محله‌ای به نام «محله محتشم» کاشان مشهور است. (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۲/ ۸۰۳) روابط داخلی و خارجی او، مانند ارتباط با هند و برخی شهرهای ایران، نشانی از خاستگاه نگرش عاطفی محتشم، به سرایش اشعار عاشواری ارایه نمی‌دهد و در تحلیل نگرش او جز از حوادث تاریخی سیاسی و بهره‌گیری از روایات معصومان (ع) نمی‌توان یاد کرد.

نگرش عاطفی به واقعه عاشورا

ائمه اطهار (ع) برای زنده نگهداشتن قیام عاشورا، مقابله با حسین (ع) ستیزی حاکمان و وارد کردن عاشورا در فرهنگ عمومی مردم، جنبه‌های احساسی و عاطفی کربلا را برجسته‌تر کردند و شیعیان را به گریه بر مصائب امام حسین (ع) تشویق نمودند، شاعرانی همچون فرزددق (م ۱۱۰ق)، گُمیت آسَدی (م ۱۲۶ق) و دعبِل (م ۲۲۰ق) که در مدح امام حسین (ع) اشعاری سرودند، با صله و هدایا تشویق شدند و خود امامان (ع) با شنیدن اشعار جانسوز آنان اشک ریختند.

گُمیت آسَدی (م ۱۲۶ق) برای امام صادق (ع) شعری در رثای امام حسین (ع) خواند. امام (ع) دستور داد برخی اعضای خانواده‌اش نیز حاضر شوند. آنگاه گُمیت می‌خواند و حضرت می‌گریست (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ۱۷/ ۲۰) و صدای گریه از اهل خانه حضرت برخاست. (بغدادی، ۱۹۹۸م: ۷۰/ ۱۵)

هم‌چنین ابوهارون مکفوف به درخواست امام (ع) شعری در مصیبت امام حسین (ع) خواند که حضرت را به گریه انداخت. امام (ع) فرمود: آن‌گونه (با رقت و حزن) بخوان، که برای خودتان و نزد قبر امام حسین (ع) می‌خوانید. ابوهارون خواند و امام (ع) گریست و فرمود: بیشتر بخوان. با خواندن قصیده دیگری هم حضرت گریست و هم صدای گریه اهل منزل را از پشت پرده شنید. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۱۰۴؛ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۴/ ۵۹۵)

آنگاه امام (ع) فرمود: کسی که در رثای حسین (ع) شعری بخواند، گریه کند و دیگری را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود، حتی اگر دیگری یک تن باشد و اگر از چشم کسی در یاد امام حسین (ع) به مقدار بال مگسی اشک بیاید، ثواب او بر خداست و خداوند کمتر از بهشت به وی ثواب نمی‌دهد. (همان: ۴) شاعر دیگری نیز به نام «ابی عماره مُنشد» مانند ابوهارون اشعاری برای امام صادق (ع) خواند و امام پس از گریه بسیار، به ثواب سرودن شعر در مصائب امام حسین (ع) و ثواب گریه‌کنندگان بر ایشان اشاره کرد. (همان: ۱۰۵؛ صدوق، ۱۳۷۶ش: ۱۴۱)

حجم این روایات و از سویی توجه شیعه به بُعد عاطفی عاشورا، سبب گشودن باب «گریه بر اهل بیت (ع)» در منابع روایی شیعه شد. به عنوان مثال، برقی (م ۲۷۴ق) بابتی به نام «ثواب من دمت عینه فی آل محمد» گشود (برقی، ۱۳۳۰: ۶۳/۱) و ابن قولویه خاص‌تر از آن، بابتی به نام «مَنْ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبُكِيَ وَابْكِيَ بِهِ» بازکرد (همان). مجلسی نیز با جمع این دو باب، بابتی «ثواب البكاء علی مصیبتة -الحسین- و مصائب سائر الأئمة و فیه ادب المأتم يوم عاشوراء» را گشود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۸۰/۴۴) بدین ترتیب گریه بر امام حسین (ع) با ایمان مردم پیوند خورد و در ردیف گریه برای ترس از خداوند در ادبیات شیعی نهاده شده شد، همانگونه که شیخ صدوق بابتی به نام «ثواب البكاء من خشية الله عزّ و جلّ» دارد. (صدوق، ۱۳۶۸ش: ۱۶۷)

با ظهور حکومت شیعی در عصر صفویه و رهایی از سختگیری اهل سنت، گسترش مجالس سوگواری و همسویی حاکمان صفویه با عقاید مردم در گسترش این مجالس، اقتضا می‌کرد که شاعران با اشعار جانسوز جنبه‌های عاطفی رخداد کربلا را برجسته کنند و در ترویج هرچه بیشتر و بهتر مجالس عزای امام حسین (ع) بکوشند. این عملکرد هم به ترویج مکتب شیعه کمک می‌کرد و توده‌های مردم را یکپارچه و متحد می‌ساخت و هم دولت شیعی از این احساسات و همبستگی مردم می‌توانست به نفع اهداف حکومت و مبارزه با دولت عثمانی بهره ببرد.

محتشم کاشانی از شاعران این دوره است که به گفته اسکندر بیگ منشی، زمانی که قصیده‌ای در مدح پری خان خانم (دختر شاه طهماسب) (م ۹۸۵ق) سرود و خبر آن به شاه طهماسب رسید، وی را به سرودن اشعاری در مدایح و مراثی اهل بیت (ع) عصمت تشویق کرد. (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۱۷ش: ۱۷۸/۱؛ صفا، ۱۳۶۳ش: ۷۹۳/۵، ۷۹۴؛ درگاهی، ۱۳۸۸ش: ۴۲)

به نظر می‌رسد محتشم کاشانی در سرایش اشعار عاشورایی، اهداف دولت نو برآمده شیعی صفوی و نیازمندی اجتماع شیعه را به خوبی فهم کرده بود و از این رو، عاشورا را با نگرش عاطفه و احساس به نظم کشید. تفاوت اساسی اشعار محتشم با اشعار حماسی کسانی مانند کمیت آسدی در این است، که آنان با حماسی کردن عاشورا تلاش داشتند، روح مقاومت و قیام را بر ضد

حکومت وقت برانگیزانند و محتشم چون خود را در قلمرو حکومت نوپای شیعی می‌دید و حمایت از آن را لازم می‌شمرد، از سرایش شعر حماسی، صرف نظر کرد و نگاه عاطفی را برگزید. شاخص‌ها و ویژگی‌های این نگرش در اشعار عاشورایی محتشم در سه محور به شرح ذیل درخور مطالعه است:

۱- گریستن همه موجودات بر امام حسین (ع)

یکی از شاخصه‌های منحصر به فرد در نگرش عاطفی این است که همه موجودات بر امام حسین (ع) گریسته‌اند. این شاخصه محرک مهمی برای ترغیب مردم به گریستن بر امام حسین (ع) است. از اشعار محتشم چنین برمی‌آید که او باور داشت همه موجودات در ماه محرم بر امام حسین (ع) می‌گریزند. خاستگاه این نگرش همان روایات موجود در کتاب‌های روایی مانند «کامل الزیارات» است. برپایه روایتی از امام صادق (ع)، انس و جن، پرنده و وحوش بر حسین بن علی (ع) گریستند و اشک‌های‌شان جاری شد. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش: ۷۹؛ عطاردی، ۱۳۷۶ ش: ۴۷۸/۲) همسویی محتشم با این اخبار در تک‌تک ابیات بند اول از ترکیب‌بند دوازده‌گانه او قابل رصد است. او چنین سروده است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است	باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین	بی‌نقخ صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دمید از کجا کزو	کار جهان و خلق جهان جمله درهم است
گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب	کآشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست	این رستخیز عام که نامش محرم است
در بارگاه قدس که جای ملال نیست	سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند	گویا عزای اشرف اولاد آدم است
خورشید آسمان و زمین نور مشرقین	پرورده کنار رسول خدا حسین
کشتی شکست خورده طوفان کربلا	در خاک و خون طپیده میدان کربلا
گر چشم روزگار برو زار می‌گریست	خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا
نگرفت دست دهر گلابی به غیر اشک	زان گل که شد شکفته به بستان کربلا

در این ابیات شاعر برای ایجاد حزن و گریه در مخاطب، نخست از واژگان شورش، آشوب، رستخیز عظیم در جهان هستی یاد کرده است. آنگاه با کاربرد واژگانی مانند عرش اعظم، جهان و

تمام ذرات عالم تلاش دارد مخاطب را جزئی از این جهان نشان دهد، تا براحتی بتواند احساس مخاطب را برانگیزاند و آن احساس را مقدّس، همراستا و هم‌آهنگ با حزن و اندوه و گریه همه ذرات عالم ترسیم کند. شاعر پس از ایجاد چنین آمادگی در مخاطب، از واژگانی استفاده می‌کند تا بتواند احساس و عاطفه را نیز به اعتقادات مخاطب، پیوند دهد. از این‌رو، در این مرحله، از واژه‌ای مانند محرم بهره برده و آن را قیامت دنیا خوانده است. از سوی دیگر، از قدسیان و ملایک بهره گرفته و آنان را غمناکِ شهادت امام حسین (ع) وصف کرده و پس از بیان این غمناکی، به هدف اصلی خود پرداخته، که آن گریه و نوحه است. او در ابیات پایانی پیش گفته، این احساس و اعتقاد را به اوج رسانده است. نکته مهم دیگر در این بند که می‌تواند احساس و عاطفه را به هم بیامیزد، استفاده از تشبیه برای ایجاد حزن است. کاربرد طلوع آفتاب از مغرب برای بیان آشوب در جهان هستی و برپایی قیامت، هم‌چنین ترکیب کشتی شکست خورده برای فرجام نهضت حسینی (ع) و نیز تشبیه اشک چشم به گلاب هنر شاعر برای ایجاد حزن و گریه بر امام حسین (ع) است.

محتشم، در پیوند احساس و اعتقاد، موجودات جهان را در نوحه‌گری بر اشرف اولاد آدم به دو دسته زمینی و فرازمینی تقسیم کرده و از جن و ملک در یک‌ردیف به‌عنوان نوحه‌گران فرازمینی نام برده، که آدمیان آنان را به طور عادی حس نمی‌کنند. هم‌ردیفی جن و ملک در شعر محتشم، اشاره‌ای به هم‌ردیفی دیو و ملک، به‌عنوان موجودات تأثیرگذار در جهان خلقت ندارد. چه این‌که دیو در پندار ایران باستان در ردیف ملک و تأثیرگذار در حوادث هستی است، که بعدها به جن معنا شده است. اما در فرهنگ قرآن جن نه در ردیف ملک، که در ردیف انسان از موجودات نامؤثر شمرده شده است. (مطهری ۱۳۹۰ ش: ۷۸۴/۲۷) شاهدی که این ادعا را تأکید دارد، آن است که محتشم در بند دیگری از دیو در ردیف دَد یاد کرده و گفته است: «بودند دیو و دَد همه سیراب».

هم‌راستا قرار دادن دیو و دَد نشان می‌دهد محتشم به فرهنگ ایران باستان و فرهنگ اسلامی‌اشناایی داشته و با آوردن واژگان دیو و دَد، از سوءبرداشت مخاطب در این ابیات جلوگیری کرده است.

۲- تأکید بر تشنگی در رویداد کربلا

موضوع بستن آب بر روی امام حسین (ع) و خاندان و یاران آن حضرت و عطش آن امام (ع) در روز عاشورا از حوادث مهم تاریخ عاشورا است. (دینوری، ۱۳۶۸ق: ۲۵۵؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ۵/ ۴۱۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۶/ ۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۹۷/ ۴) محروم کردن خیمه‌گاه امام حسین (ع) از آب فرات و تحمیل عطش به امام (ع) و یارانش، از مواردی است که پیوسته در طول

تاریخ با نکوهش اقوام و افکار مختلف روبرو بوده است. شنیدن این مطلب هر آزاده‌ای را به درد می‌آورد و یادکرد آن جنبه‌های احساسی و عاطفی کربلا را پررنگ می‌کند. محتشم مانند دیگر شاعران، با اشعار جانسوز، عطش و مظلومیت امام و یارانش را در بند دوم از ترکیب‌بند دوازده‌گانه مشهور خود این‌گونه به تصویر کشیده است:

از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
بودند دیو و دَد همه سیراب و می‌مکید خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا
زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا

واژگان کلیدی مهمان، آب، عطش، تشنگی و پیوند آنها با یکدیگر عواطف هر انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اکرام مهمان در همه ادیان به‌خصوص در دین اسلام سفارش ویژه‌ای شده است. محتشم امام را با توجه به نامه‌های کوفیان مهمان آنان دانسته که مورد استقبال و اکرام آنان قرار نگرفته، بلکه آب هم بر روی مهمان خود بسته‌اند. وی می‌توانست به قتل مهمان و اقوام و یارانش یا تعرّض به اهل و عیال امام اشاره کند اما هیچ‌کدام به اندازه تشنگی مهمان، نمی‌تواند عواطف مخاطب را برانگیزد.

به نظر می‌رسد واژه کوفیان در شعر محتشم (م ۹۹۶ق) بیانگر اطلاعات و آرای تاریخی او، و به نوعی نقد آرای مقتل‌نویسان عصر صفوی باشد. او با کاربرد واژه کوفیان، به تبیین دیدگاه خود در باره حاضران مخالف با امام حسین (ع) در کربلا پرداخته و حضور لشکر شام را در کربلا قبول نداشته است. اهمیت کاربرد چنین واژه‌ای زمانی روشن می‌شود که دانسته شود، کاشفی (م ۹۱۰ق) مقتل‌نویس عصر صفویه، به اشتباه این باور را تبلیغ ترویج کرده که لشکری از شام در کربلا حضور داشته است. (کاشفی، ۱۳۸۲: ۴۰۵) البته این نکته دارای اهمیت است که شاعری با تاریخ‌نگاری فاصله دارد و از شعر احساسی انتظار برداشت تاریخی و سندی نیست، بلکه انتظار نفوذ در وجود مخاطب برای گره زدن جان او به آسمان و در نهایت گریاندن مخاطب است، اما محتشم تلاش داشته شعر و تاریخ را به هم پیوند دهد و از اخبار تاریخی صحیح استفاده کند. همسویی محتوای اشعار او با منابع نخستین در باره حادثه کربلا می‌تواند گواهی بر این ادعا باشد.

۳. نقل گزاره‌های تاریخی محرک احساس و عواطف

گزارش حزن‌انگیز محتشم از گفتگوی حضرت زینب (س) با بدن مطهر امام حسین (ع) از شواهدی است، که می‌تواند به ادعای این نوشتار و پیوند شعر و تاریخ کمک کند. به گفته

قرّبن قیس تمیمی، از سپاهیان لشکر عمر بن سعد، زینب دختر فاطمه (س) هنگام عبور از کنار قتلگاه برادرش می‌گفت: یا محمداه! یا محمداه! ملائکه آسمان بر تو درود می‌فرستند، این همان حسین است که زیر آسمان، بی‌سایه‌بان قرار گرفته، به خاک و خون آغشته، و اعضایش قطعه‌قطعه شده است. یا محمداه! دخترانت اسیر، فرزندان کشته و باد صبا گردوغبار بر آنان گسترانده است! این سخنان زینب (س) دوست و دشمن را به گریه انداخت! به‌گونه‌ای که زنان صیحه کشیدند و بر صورت‌های خویش سیلی زدند. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۲۰۶ و طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۵۶؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ق: ۵/۱۲۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ش: ۴/۸۱)

محتشم در بند هشتم از ترکیب‌بند دوازده‌گانه خود، از این گزاره تاریخی بهره برده احساس و عاطفه را در پیوند با اعتقاد بسیار زیبا به تصویر کشیده است:

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان بر پیکر شریف امام زمان فتاد
بی‌اختیار نعره‌ی هذا حسین از او سرزد چنان که آتش از او در جهان فتاد
پس با زبان پر گله آن بضعة الرسول رو در مدینه کرد که یا ایها الرسول
این کشته‌ی فتاده به هامون حسین تست وین صید دست و پا زده در خون حسین تست...

شاعر در این بند از زینب به دختر حضرت زهرا (س) و پاره تن رسول خدا (ص) یاد کرده و از امام حسین (ع) به امام زمان نام برده که بیانگر پایگاه اعتقادی و شیعی سراینده اشعار است. او برای درآمیختن این اعتقاد به احساس از نعره بی‌اختیار و آتش در جهان استفاده کرده و سرانجام احساس را با کاربرد تشبیه به اوج رسانده و دریایی از خون را ترسیم کرده که امام (ع) چونان صید دست‌وپا زده در آن جان باخته و این چنین با صنعت تشبیه مخاطب را به حزن و گریه واداشته است. محتشم کاشانی در سه محور، نگرش عاطفی را با نگرش کلامی پیوند زده است:

۱- پیوند نگرش عاطفی با نگرش ماورایی

ماوراء به معنای فراسو و در اصطلاح به معنای متافیزیک و حوادثی است که ریشه در عالم ماده ندارد و به‌طور عادی در دسترس انسان قرار نمی‌گیرد. با توجه به تقدّس و عصمت امام حسین (ع) در نگرش ماورایی به جنبه‌های فرا تاریخی و فرازمینی عاشورا اشاره می‌شود. چنین نگرشی با توجه به باورهای مذهبی و کلامی مرتبط با امامان معصوم (ع) پدید آمده است. علم غیب امام، پیشگویی‌های معصومان (ع)، در ارتباط بودن فرشتگان با امام، به فرمان امام بودن عالم و مانند اینها، از اخبار ماورایی است که در منابع تاریخی و روایی به آن پرداخته شده است. در این میان، بیان حوادث غیرطبیعی پس از شهادت امام حسین (ع) بازتاب فراوانی داشته

است. «فراوانی روایات یاد شده در منابع غیرشیعی از سویی، وجود بعضی روایات ضعیف و گاه سخیف، در میان این روایات از سوی دیگر، موجب پیدایش نوعی بدبینی به مجموعه این روایات به ویژه گزاره‌های غیرشیعی شده است.» (گروهی از تاریخ پژوهان، ۱۳۹۳: ۱۸۵ / ۲) در این باره، ابن سعد (۱۴۱۰: ۵۰۵ / ۱۰) از اهل سنت، بیشترین گزارش را ثبت کرده و ابن قولویه از شیعیان، بیست و یک روایت درباره گریستن آسمان بر امام حسین (ع) نقل نموده است. برای مثال و براساس روایتی، امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که حسین بن علی (ع) و یحیی بن زکریا را کشتند، آسمان تا يك سال سرخ‌فام بود و این سرخی، گریستن آسمان به حساب آمد. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۰؛ قندوزی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۱/۳)

پیوند دو نگرش عاطفی و ماورایی به این معنا است که نگرش ماورایی در قالب نگرش عاطفی در مقاتل و اشعار ظهور و بروز پیدا کرده است. با توجه به روایات کتاب کامل الزیارات درباره حوادث غیرطبیعی زمان شهادت امام حسین (ع)، محتشم در بند پنجم از ترکیب‌بند دوازده‌گانه، از این پیوند به‌خوبی بهره برده است و در واقع به احساس و عاطفه مردم نوعی تقدس و همسویی با ماورای طبیعت بخشیده است. به‌عنوان نمونه او می‌گوید:

روح الامین نهاده به زانو سر حجاب	تاریک شد ز دیدن آن چشم آفتاب
چون خون ز حلق تشنه او بر زمین رسید	جوش از زمین به ذروه عرش برین رسید...
باد آن غبار چون به مزار نبی رساند	گرد از مدینه بر فلک هفتمین رسید
یکباره جامه در خُم گردون به نیل زد	چون این خبر به عیسی گردون نشین رسید
پر شد فلک ز غلغله چون نوبت خروش	از انبیا به حضرت روح الامین رسید
کرد این خیال و هم غلط کار، کان غبار	تا دامن جلال جهان آفرین رسید...

۲- پیوند نگرش عاطفی و نگرش ابتلایی

قرآن کریم دنیا را عرصه امتحان الهی و ابتلا خوانده و از امتحان پیامبران در قرآن یاد کرده است. نمونه این که، در باره حضرت ابراهیم (ع) فرمود: **وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ (بقره: ۱۲۴)** و یا پس از دستور به ذبح اسماعیل فرمود: **إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (صافات: ۱۰۶)** نگرش ابتلایی، که عارفان سهم بیشتری در تبیین آن دارند، حوادث و رخدادهای جهانی را بر اساس ابتلا مطالعه می‌کنند. عارفان بر این باورند که انسان هر چه نزد خداوند عزیزتر، گرامی‌تر و مقرب‌تر باشد، به امتحان و ابتلای سنگین‌تر و مصائب سخت‌تر روبرو خواهد شد. بنابر این، پیامبران و اولیای الهی با آزمایش‌های سخت و دشواری مواجه می‌شدند.

کاشفی (م ۹۱۰ق) بر پایه این نگرش، ابتلای پیامبران تا امام حسین (ع) را در کتاب روضة الشهداء نوشته و گفته است: «صَرَبُ الْحَبِيبِ زَبِيب» شربت جفای دوست بسی شیرین باشد. (کاشفی، ۱۳۸۲: ۲۶۹) او در ادامه، غرض از این تشبیب را ایراد شمه‌ای از بلاکشی اهل بیت (ع) رسالت و ذکر مظلومی و محرومی و رنجوری و مهجوری ایشان برشمرده است.

مقتل نگاران و شاعران دوران صفویه و قاجار این نگرش را در قالب نگرش عاطفی و احساسی در آثار و اشعار خود آورده‌اند و محتشم نیز در بند چهارم ترکیب‌بند دوازده‌گانه خود چنین سروده است:

بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدند اول صلا به سلسله‌ی انبیا زدند
نوبت به اولیا چو رسید آسمان طپید ز آن ضربتی که بر سر شیر خدا زدند...

مهم‌ترین ایراد این نگرش، تأکید فراوان بر بُعد ابتلایی و امتحانی قیام عاشورا است، که سبب فراموشی یا کم‌توجهی به اهداف قیام عاشورا، مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و تلاش برای احیای دین، سنت پیامبر اکرم (ص) و امر به معروف و نهی از منکر شده است. شاید چنین نگرشی در همان فضای عصر صفوی و با توجه به برپایی دولت تازه برآمده شیعی، که مورد توجه عالمان و بزرگان شیعه بود و آرزوی دیرینه خود را برآورده می‌دیدند، چندان نقدپذیر نباشد.

۳- پیوند نگاه تقدیرگرایانه با نگرش عاطفی

نگاه تقدیرگرایانه حوادث را براساس سرنوشتی از پیش تعیین شده مطالعه می‌کند و خاستگاه آن، موضوع پرگفتگوی قضا و قدر الهی (سرنوشت) در فرقه‌های اسلامی است. قضا به معنای قطعی و تقدیر به معنای اندازه‌گیری است، که مرحله اندازه‌گیری پیش از مرحله نهایی است. این موضوع از عوامل پیدایش اشاعره و معتزله و نیز سوءاستفاده امویان در برابر طرفداران اختیار و آزادی بشر است. چنانکه گفتند: «الجبر و التشبیه امویان، و العدل و التوحید علویان». (مطهری، ۱۳۹۰ش: ۱/ ۳۷۵-۳۷۶) شیعه پذیرش قضا و قدر را پذیرفته، ولی آن را به معنای سلب اختیار و آزادی انسان ندانسته است. (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۶۸ش: ۱۰۱) با این حال، روایاتی حوادث رخ داده برای ائمه اطهار (ع) را تقدیر الهی دانسته و بیان می‌دارند که آنان بدون اختیار و طبق صحیفه‌ای از پیش نوشته شده عمل کرده‌اند و بنابر این، صلح امام حسن (ع)، قیام امام حسین (ع) و سکوت و تقیه امامان (ع) پس از ایشان، تقدیرات الهی بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۲۸۱)

ملاحیب‌الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ق) با توجه به این نگرش می‌نویسد: «چون این سرور، در عالم دُرّ با حضرت خالق البشر، عهد و پیمان شهادت را محکم بست، برای وفای به این عهد،

اجلی معین کردند و روز خاصی مقرر فرمودند و مکانی را موعد قرار دادند. پس باید (که) این مطلب در روز عاشورا باشد و در زمین کربلا واقع شود.» (شریف کاشانی، ۱۳۹۳، ۷/۲) از ویژگی‌های این نگرش، اعتقاد به نقش و تأثیر چرخ فلک یا ستارگان و روزگار و زمانه، در حوادث تاریخی و به ویژه واقعه جانشوز کربلاست. برخی از شاعران و مرثیه‌سرایان با چنین نگاهی به ترسیم رویداد کربلا پرداخته‌اند و چرخ فلک و زمانه را نکوهش کرده‌اند. (رنجبر، ۱۳۸۹: ۳۰۳)

محتشم در بند یازدهم از ترکیب‌بند دوازده‌گانه نگرش عاطفی را به نگاه تقدیرگرایانه پیوند زده و آن را سرنوشت حتمی آن امام (ع) تلقی کرده و چنین سروده است:

تا چرخ سفله بود، خطایی چنین نکرد
و در بند دوازدهم نیز می‌گوید:

ای چرخ! غافلی که چه بیداد کرده‌ای وز کین چه‌ها درین ستم‌آباد کرده‌ای
بر طعنت این بس است که بر عترت رسول بیداد کرده خصم و تو امداد کرده‌ای

مهم‌ترین نقد بر این نگرش، می‌تواند به نوعی تبرئه‌کردن حادثه‌سازان و قاتلان کربلا باشد. چون در این دیدگاه نه امام حسین (ع) اراده‌ای داشته است و نه یزید و سپاه وی اشتباه کرده‌اند، زیرا کشته‌شدن امام (ع) به‌دست آنان امری ناگزیر بود. شاهد آن‌که عیدالله بن زیاد در کوفه به امام سجاد (ع) گفت: مگر خداوند علی بن حسین را نکشت؟ و امام (ع) نیز پاسخ داد: مردم او را کشتند. ابن زیاد گفت: خداوند او را کشت و امام سجاد (ع) به استناد قرآن فرمود: *اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا* (زمر: ۴۲) (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۵۸، ابو مخنف، ۱۴۱۷ق: ۲۶۳) امام با استدلال خود نشان داد که مردم برادرش را کشتند و خداوند او را قبض روح کرد و از این‌رو، انتساب کارها به خداوند به معنای سلب اراده و اختیار از مردم نیست. بیان این اشعار و کاربرد الفاظی مانند «چرخ فلک» گرچه روزگار را عامل بیداد می‌شمارد و آشکارا نگاه تقدیرگرایانه را در پیوند با دهرگرایی ترسیم می‌کند، اما نمی‌توان این نسبت را به محتشم داد که او دهری‌گرای یا جبرگرای برای توجیه علمکرد زشت یزیدان است. محتشم بدون اعتقاد به دهرگرایی یا جبرگرایی و با تکیه به روایات شیعی که پیشتر از آنها یاد شد، از نگاه تقدیرگرایانه براساس عرف عمومی مردم، بهره گرفته تا جامعه شیعی را در شرایط خاص عصر صفوی برای زنده‌نگه یاد عاشورا و مقابله با عثمانیان تشویق کند. شاهد آن‌که، او در ابیات بعدی دیدگاه تقدیرگرایانه را در معنای انحرافی‌اش، نقد کرده و ابن زیاد (دشمن) را مقصر معرفی نموده است، تا هم از تبرئه قاتلان امام حسین (ع) جلوگیری کند و هم در پرتو واژگان «دین» و «محشر» مخالفت خود را با دهرگرایی نشان دهد.

ای زاده‌ی زیاد! نکرده‌ست هیچ‌گاه
نمرود این عمل که تو شدّاد کرده‌ای
کام یزید داده‌ای از کشتن حسین
بنگر که را به قتل که دلشاد کرده‌ای
بهر خسی که بار درخت شقاوت است
در باغ دین چه با گل و شمشاد کرده‌ای
با دشمنان دین نتوان کرد آنچه تو
با مصطفی و حیدر و اولاد کرده‌ای
حلقی که سوده‌ی لعل لب خود نبی بر آن
آزده‌اش به خنجر یی‌داد کرده‌ای
ترسم ترا دمی که به محشر در آورند
از آتش تو دود به محشر برآورند

شهید مطهری با مقایسه دیدگاه نقدگرایانه محتشم با دیدگاه حماسی مرثیه‌سرایانی مانند کمیت اسدی و دعبل خزاعی فرموده است: اشعار شاعران زمان اهل بیت (ع) بیشتر جنبه حماسی و مبارزه با ظلم و ستم حاکمان اموی و عباسی داشت و اشعار امثال محتشم به جنبه عاطفی کربلا پرداخته و چرخ فلک و زمانه را هدف قرار داده است. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۷/ ۳۳۴) شایان توجه است که کمیت و دعبل در دوره حاکمیت سیاسی امویان و عباسیانی می‌زیستند، که به شیعیان و امامان معصوم (ع) ظلم می‌کردند. سرایش اشعار حماسی در آن شرایط زمانی، دمیدن روح مبارزه و مقاومت در کالبد جامعه بود. اما محتشم در زمان استقرار دولت شیعه و همسو با عالمان شیعی زندگی می‌کرد. از این رو، نیازی به سرایش اشعار حماسی بر ضد ظلم و استبداد نمی‌دید، بلکه او برای شکوه‌بخشی به عزای سیدالشهداء (ع) اشعار جانشوز و عاطفی سرود. تا عاملی برای اتحاد درونی شیعه و همبستگی آنان در رویارویی با مخالفان شیعه باشد. نقد شهید مطهری بر محتشم نیز ناظر به شرایط دینی اجتماعی عصر صفویه نیست، بلکه ناظر به حکومت پهلوی اول است، که رویاروی دین و عالمان شیعه قرار داشت و حرمت عالمان دینی با زیر لگد قراردادن آیه‌الله محمد تقی بافقی یزدی (م ۱۳۲۵ ش) در حرم حضرت معصومه (س) شکسته بود. (دوانی، ۱۳۶۰ ش: ج ۲/ ۱۵۶) پهلوی دوم نیز همین دین‌ستیزی را با سیاستی آرام ادامه داد و شهید مطهری معتقد بود در چنین شرایطی بایستی روحیه حماسی و مبارزه با ظلم و استبداد در شعر شاعران، همانند اشعار کمیت اسدی، جلوه‌گر باشد.

جدول بررسی محتوای کیفی اشعار محتشم

در جدول زیر برای مفهوم‌پردازی و تحلیل مفهومی اشعار عاشورایی محتشم، به هر یک از ابیات محتشم، یک مفهوم پایه داده شد تا بتواند فضای حاکم بر آن ابیات را بازگو کند. آنگاه برای

مفاهیم تعیین شده توضیح و برداشت نوشته شد تا تحلیل‌های اولیه را شکل و سامان دهد.

تحلیل مفهومی		اشعار محتشم
توضیحات و برداشتها	مفاهیم و برچسب‌ها	
همسویی موجودات از شاخصه‌های نگرش عاطفی و مشوق مردم به گریستن بر امام حسین(ع) با خاستگاه روایی	گریستن همه موجودات بر امام حسین(ع)	باز این چه شورش است که در خلق عالم است
یادکرد از بستن آب بر روی امام(ع) سبب برجسته شدن جنبه‌های احساسی و عاطفی کربلاست	تأکید بر تشنگی در رویداد کربلا	از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
گفتگوی حضرت زینب(س) با بدن مطهر امام حسین(ع) محرک احساس و عاطفه است.	نقل گزاره‌های تاریخی	ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان بر پیکر شریف امام زمان فتاد ...
نگرش ماورایی در قالب نگرش عاطفی، مانند بیان حوادث غیرطبیعی هنگام شهادت امام(ع) و حزن آلودگی عالم ماورا محرک احساس و عطفه است.	پیوند دو نگرش عاطفی و ماورایی	روح الامین نهاده به زانو سر حجاب تاریک شد ز دیدن آن چشم آفتاب
نگرش ابتلایی در قالب نگرش عاطفی مشوق حزن و منعکس در آثار و اشعار دوران صفویه و قاجار است.	پیوند دو نگرش عاطفی و ابتلایی	بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدنداول صلا به سلسله‌ی انبیا زدند
نگرش تقدیرگرایانه با اعتقاد به نقش روزگار و اجرام آسمانی در حوادث تاریخی مورد نقد قرار گرفته است.	پیوند نگاه تقدیرگرایانه با نگرش عاطفی	ای چرخ! غافل که چه بیداد کرده‌ای وز کین چه‌ها درین ستم آباد کرده‌ای

نتیجه گیری

اثمه اطهار(ع) با انگیزه‌های دینی-سیاسی در زمان حیات خود، شاعران را به سرایش اشعار در مصائب امام حسین(ع) تشویق کردند، تا ابعاد عاطفی عاشورا بیش از پیش نمایان شود و بهتر در جان جامعه نفوذ یابد. در این میان، ظهور دولت شیعی صفویه و گشوده شدن فضای باز سیاسی فرهنگی برای شیعه‌ای که قرن‌ها فشار و سختی مخالفان فکری خود را تحمل کرده بود، سبب شد عالمان و شاعران شیعی نگرشی خاص به عاشورانویسی داشته باشند. شاهان صفوی از جمله شاه طهماسب نیز شاعران را به سرودن اشعار در رثای سید الشهدا(ع) تشویق کردند. محتشم شاعر عصر شاه طهماسب، دوازده‌بند مشهور خود را سرود، که تاکنون موردتوجه شیعیان پارسی زبان قرار گرفته است.

این تحقیق با روش تحلیل محتوای کیفی و در پی پاسخ به پرسش چیستی و چرایی نگرش محتشم به اشعار عاشورایی دریافته که او همسو با نیازها و تقاضاهای زمانی و همسو با دیگر مقاتل و اشعار عاشورایی دوره صفویه، نگرش احساسی و عاطفی به حادثه کربلا را ترجیح داده است. او در ترسیم رخدادها و غیرطبیعی کربلا، میان نگرش‌های عاطفی و ماورایی پیوند داده و با پشتوانه دانش کلام و بهره‌وری از منابع روایی و منابع متقدم تاریخی، نگرش‌های عاطفی، ابتلایی و تقدیرگرایانه به واقعه عاشورا را همگرا ترسیم کرده است. از این رو، محتشم بر تشنگی امام حسین(ع)، خاندان و یاران آن حضرت تأکید داشت، گفتگوی حضرت زینب(س) با بدن مطهر امام حسین(ع) را به نظم درآورد، موجودات را گریان و عزادار امام حسین(ع) دانست، ولی از دهرگرایی و جبرگرایی فاصله گرفت. به‌رغم کارکردهای مثبت این نگرش در زمان‌های خص، نباید از آسیب‌های نگرش ابتلایی و تقدیرگرایانه غافل بود.

منابع

۱. ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵ش، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارالصادر.
۲. ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، الفتوح، بیروت، دار الاضواء.
۳. ابن سعد، محمد، ۱۴۱۰ق، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، المناقب، قم، علامه.
۵. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، ۱۳۴۸ش، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، جهان.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶ش، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرضویه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دارالفکر لطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، ۱۴۱۵ق، الأغانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۹. ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷ق، وقعه الطف، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین.
۱۰. اسکندر بیک منشی، ۱۳۱۷ش، عالم آرای عباسی، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، ۱۳۳۰، المحاسن، تصحیح جلال الدین حسینی (محدث)، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. بغدادی، عبدالقادر بن عمر، ۱۹۹۸م، خزانه الادب و لب لباب لسان العرب، تحقیق محمد نبیل طریفی و امیل بدیع الیعقوب، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر.
۱۴. بهادر، محمدصدیق حسن خان، ۱۳۸۶ش، تذکره شمع انجمن، ویراستار محمدکاظم کهدوی، یزد، دانشگاه یزد.
۱۵. خاندانی، قاسم، ۱۳۹۲ش، شیخ مفید و تاریخ نگاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۶. درگاهی، حسین، انواری، محمدجواد، طالعی، عبدالحسین، ۱۳۸۸ش، شورش در خلق عالم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. دربندی، آغا بن عابد الشیروانی، ۱۴۱۵ق، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، تحقیق محمد جمعه بادی، عباس ملاً عطیه الجمری، بحرین، شركة المصطفی للخدمات الثقافیه.
۱۸. دوانی، علی، ۱۳۶۰ش، نهضت روحانیون ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. دینوری، احمد بن داود، ۱۳۶۸ش، اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال الدین شیال، قم: شریف رضی.
۲۰. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۶۸ش، جبر و اختیار، بحث‌های استاد جعفر سبحانی، چاپ اول، قم، مؤسسه تحقیقاتی سیدالشهداء.

۲۱. رنجبر، محسن، ۱۳۸۹ش، جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه با تأکید بر مقاتل، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره».
۲۲. سپهر، محمدتقی، ۱۳۸۵ش، گزیده ناسخ التواریخ، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. شریف کاشانی، حبیب‌الله، ۱۳۹۳ش، تذکرة الشهداء، تهران، شمس الضحی.
۲۴. صحتی سردودی، محمد، ۱۳۹۴ش، عاشورا پژوهی، قم: انتشارات خادم الرضا (علیه السلام).
۲۵. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۸ش، ثواب الاعمال، تحقیق سیدمحمد مهدی سیدحسن الخراسان، قم، شریف رضی.
۲۶. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، الأمالی، تهران: کتابچی.
۲۷. صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳ش، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوسی.
۲۸. طبری، محمد بن جریر ۱۳۸۷ق. تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار تراث.
۲۹. عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت.
۳۰. عطاردی، عزیزالله، ۱۳۷۶ش، مسند الامام الشهدی ابی عبدالله الحسین بن علی، تهران، عطاردی.
۳۱. قمی، عباس ۱۳۶۳ش، هدیة الاحباب؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، ینایع الموده لذوی القربی، قم، اسوه.
۳۳. کاشفی، حسین، ۱۳۸۲ش. روضة الشهداء، قم: نوید اسلام.
۳۴. کلوس کریپندورف، (۱۳۸۳ش)، تحلیل محتوا، مبانی روش شناسی، ترجمه هوشنگ نابیی، تهران: نشرنی.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. گروهی از تاریخ‌پژوهان ۱۳۹۳ش، مقتل جامع سیدالشهدا (ع)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره».
۳۷. مجلسی، محمدباقر ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. محتشم کاشانی، کمال‌الدین علی (بی‌تا). دیوان مولانا محتشم کاشانی، کوشش مهرعلی گرگانی، کتابفروشی محمودی.
۳۹. محمدزاده، مرضیه ۱۳۸۳ش، دانشنامه‌ی شعر عاشورایی انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. معروفی، یحیی؛ یوسف زاده، محمدرضا، ۱۳۸۸ش، تحلیل محتوا در علوم انسانی، همدان، سپهر دانش.
۴۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۴۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۳. میرابوالقاسمی، رقیه، ۱۳۹۳ش، تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی